

فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی - سال دهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۸۹ - صفحات ۹۰-۶۱

تحلیلی بر کارآفرینی در ۷۰ سال اخیر ایران مطالعه موردی: عملکرد یک کارآفرین نمونه

یداله دادگر^۱
علیرضا غلامزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۶

چکیده

این مقاله، ضمن تحلیل کارآفرینی با کمک شیوه‌های اسنادی، تحلیل محتوا، مصاحبه (با کارآفرین و یا بستگان وی) و کاربرد الگوهای بهره‌وری و کارآفرینی، به معرفی ۱۶ کارآفرین ایرانی پرداخته، سپس خصوصیات و ویژگی‌های متمایز آنها را که می‌تواند برای سیاستگذاران مفید باشد، بیان نموده است. در ادامه، ضمن معرفی مرحوم عالی نسب به عنوان یک کارآفرین برجسته، به اندازه‌گیری بهره‌وری دو شرکت منسوب به ایشان، کارتن میهن و صنایع نفت و گاز پرداخته شده و فرضیه‌ای برای شرکت‌های مربوطه، مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج کارکرد این کارآفرین در بهره‌وری کارخانه‌ها منعکس شده است. عدم حضور فعال وی در آخر عمر، انعکاسی از کاهش بهره‌وری کارگاه‌های مربوطه می‌باشد.

واژگان کلیدی: بهره‌وری، کارآفرینی، اقتصاد ایران، مرحوم عالی نسب

طبقه بندی JEL : R32 , L26

yydadgar@gmail.com

^۱ دانشیار اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی
^۲ کارشناس ارشد علوم اقتصادی

۱- مقدمه و طرح موضوع

بحث توسعه اقتصادی، همواره یکی از اصلی ترین دغدغه کشورها بوده است. دو عامل تأثیر گذار بر توسعه، بهره وری و کارآفرینی هستند که در دهه های اخیر در استراتژی های توسعه جایگاه ویژه ای یافته اند. کارآفرینی استاندارد معمولاً به رشد بهره وری می انجامد و رشد بهره وری در توسعه اقتصادی و اجتماعی، بهبود وضعیت اشتغال، استاندارد کار، کنترل تورم و کاهش فقر اهمیت دارد و تا حدی چگونگی رقابت را در عرصه بین المللی تعیین می کند. با نگاهی به جدول (۱) اهمیت حرکت در جهت بهبود بهره وری روشن تر می شود.

جدول ۱. سهم بهره وری و سرمایه گذاری در رشد و توسعه اقتصادی چند کشور منتخب

نام کشور	سهم سرمایه گذاری به درصد	سهم بهره وری به درصد
ژاپن	٪۴۰	٪۶۰
آمریکا	٪۵۰	٪۵۰
کره جنوبی	٪۵۵	٪۴۵
مالزی	٪۵۸	٪۴۲
پاکستان	٪۶۳	٪۳۷
ایران (در برنامه چهارم توسعه)	٪۶۸.۷	٪۳۱.۳

مأخذ: مجموعه مقالات همایش بهره وری در نظام اداری، سازمان بهره وری ملی ایران، خرداد ماه ۱۳۸۳

همان طور که از جدول مشخص می باشد، سهم بهره وری در رشد اقتصادی ایران در بین کشورهای جدول فوق، حداقل است. کارآفرینی نیز به عنوان راهی در جهت نیل به بهبود بهره وری مورد توجه می باشد. کشورهای پیشرفته با تکیه بر کارآفرینی توانسته اند به پیشرفت های چشمگیری در زمینه های مختلف اقتصادی - اجتماعی دست یابند. در این تحقیق، در بحث کارآفرینی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در تحلیل بهره وری، ابتدا متغیرها و روابط بین آنها شناسایی می شوند و سپس با کمک الگوهای آماری و اقتصادسنجی، نحوه اثر گذاری متغیرها بر یکدیگر مورد بررسی قرار می گیرند. جامعه مورد نظر این تحقیق، کارآفرینانی را شامل می شود که در هفتاد ساله اخیر در ایران حضور داشته اند. علاوه بر مرحوم عالی نسب، گروه معدودی از کارآفرینان ایرانی با تکیه بر عنصر نوآوری، مورد شناسایی قرار گرفته اند. ضمناً می توان بیان داشت

جامعه آماری با نمونه مربوطه برابری می‌کند.

۱-۱- پیشینه تحقیق و مروری بر ادبیات موضوع

کروگر و تننسر رشد بهره‌وری در صنایع ترکیه را مطالعه کرده و نشان داده‌اند که در صنایع خصوصی و دولتی، رشد بهره‌وری یکسان بوده است. چن وتانگ نشان داده‌اند که گسترش صادرات موجب افزایش بهره‌وری در همه بخشهای اقتصادی تایوان شده است. تحقیق باونلی بیانگر این بود که در کشور برزیل بین بهره‌وری کل و رشد تولید رابطه‌ای مستقیم وجود داشت. کروگر نشان داد که بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین بهره‌وری نیروی کار در اغلب کشورها به استثنای کشورهای آسیایی، از سال ۱۹۷۳ به بعد کاهش یافته است. مطالعه کانینگهام در آمریکا نشان داد که در طول دهه ۱۹۹۰ بهره‌وری به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است (Salgado 2005). بیگدلی (۱۳۷۵) در بررسی صنایع نساجی استان اصفهان نشان داد که افزایش سرمایه می‌تواند بر بهره‌وری نیروی کار مؤثر باشد. عبادی (۱۳۷۹) در بررسی عوامل مؤثر بر نیروی کار در شرکت ایران خودرو نشان می‌دهد که کثرت سرمایه بیشتر از نیروی کار می‌باشد. معماریان (۱۳۸۳) بهره‌وری و کارایی را برای صنایع مواد غذایی مورد ارزیابی قرار داده و نشان می‌دهد، جز در یک سال، افزایش بهره‌وری وجود داشته است. شعبانی (۱۳۸۵) رابطه بین بهره‌وری و صادرات را بر مبنای نظریه "خود انتخابی" و نظریه "یادگیری" در صنعت ایران آزمون کرده و بر اساس نتایج نشان داده در یک صنعت، نظریه یادگیری برقرار بوده و برای شش بخش صنعت، نظریه خود انتخابی تأیید شده است.

جنینگز، کوپروکاکس به مقایسه در یک مطالعه تحقیقاتی دو گروه از کارآفرینان پرداختند. نتایج نشان می‌داد، برخی از ویژگی‌های این دو گروه مانند تحصیلات، مخاطره‌پذیری و خلاقیت، تفاوت زیادی دارند. سالگادو (۲۰۰۵) برای ۲۲ کشور عضو (OECD) ملاحظه کرد بین کارآفرینی و رشد اقتصادی رابطه مثبت برقرار است. مطالعات کولت هنری، فرانس هیل و کلر لیچ (۲۰۰۵) نشان داد، علی‌رغم افزایش دوره‌های آموزشی کارآفرینی در تمام سطوح، ارتباط اندکی بین آنها به چشم می‌خورد (Henry, 2005, 158).

جارنا هینوین و ساری-آن پویکی جوکی تأکید می‌کنند که هسته مرکزی کارآفرینی مبتنی بر سه فاکتور شناسایی فرصت، ارزیابی و استفاده از آن است.

مقیم (۱۳۷۹) نشان داد که ایران در هر سه حوزه رفتاری، ساختاری و محیطی، دارای موانع کارآفرینی است. مطالعه عابدی (۱۳۸۰) نشان داد که انگیزه پیشرفت و تمایل به ریسک‌پذیری در بین کارآفرینان صنایع کوچک، متوسط و بزرگ، به طور معنی‌داری متفاوت است. همچنین بین

تمایل به ریسک پذیری و تعداد اشتغال ایجاد شده توسط کارآفرینان رابطه معنی داری وجود دارد. چراغعلی (۱۳۸۳) نشان می دهد که مواردی چون: عدم دسترسی به منابع مالی و امکانات بنیادین و مقررات مناسب حمایت کننده از کارآفرینان، همچنین عدم وجود فرهنگ و روحیه کارآفرینی و عدم آشنایی کارآفرینان بالقوه با مهارتهای مدیریتی باعث کاهش کارآفرینی در بخشهای صنعت و کشاورزی شده است.

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی انترپرنور به معنای «متعهد شدن» نشأت گرفته است. این واژه نخست توسط کانتیون (۱۶۸۰-۱۷۳۴) برای اولین بار، اهمیت و نقش کارآفرینان را در ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی مورد بحث قرار داد. آدام اسمیت (۱۷۷۶) کارآفرینان را همچون سایر عوامل تولید می دانست و به آن هویتی ابزار گونه می بخشید. جان باتیست سی، صنعت انسانی را به وظایف دانشمند، کارآفرین و کارگر تفکیک کرد. از نظر او در حالی که دانشمند (نظریه آفرین) و کارگر (مجری) نقش مهمی در فرآیند تولید دارند. اما این کارآفرین است که با به کار بستن نظریه و هدایت انجام امور، فرآیند تولید را پیش می برد (Palmer, 1987:48). جان استوارت میل کارکرد و عمل کارآفرین را شامل هدایت، نظارت، کنترل و مخاطره پذیری می دانست و عامل متمایز کننده مدیر و کارآفرین را مخاطره پذیری معرفی می کرد (Brockhaus & Horwitz, 1986:27). کارل منگر چهار مسئولیت: ۱- کسب اطلاعات اقتصادی؛ ۲- اجرای محاسبات اولیه؛ ۳- تحریک فرآیند تولید و ۴- کنترل فرآیند های فوق الذکر را برای کارآفرین برمی شمرد. از نظر والر اس، کارآفرین یک هماهنگ کننده و واسطه است. وی نقش کارآفرین را تنها در محیط تعادل عمومی مطرح می کرد و آن را نه در فرآیند تولید (مثل نیروی کار) بلکه همچون عامل صاحب سرمایه، مدیریتی تلقی می کرد (Guzman, 1994:77). آلفرد مارشال انواع نقشهای کارآفرینانه را چنین تشریح نموده است: ۱- تحمل کننده عدم اطمینان؛ ۲- کاهش دهنده هزینه؛ ۳- نوآور؛ ۴- مسئول رشد و یا افول شرکت ها. ثونن در محاسبه سود حاصل از کارآفرینی در مدل نظری خود عوامل مخاطره و عدم قطعیت را وارد نمود. از این رو وی عامل کسب و کار را عاملی می پنداشت که بر توانایی ابداعی خود تکیه دارد. به نظر شومپیتر هر کدام از فعالیت های زیر، نوعی کارآفرینی است: ارایه کالایی جدید، ارایه روشی جدید در فرآیند تولید، گشایش بازاری تازه، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت. در نهایت، وی مشخصه های کارآفرین را نوآوری می دانست. (Schneider, 1975:17). نظریه شومپیتر تفاوت زیادی با نظریه نئوکلاسیک دارد؛ زیرا در نظریه نئوکلاسیک، بازارهایی ایستا مطرح هستند که خریداران و فروشندگان به نوسانات قیمت ها واکنش می دهند و با کمک نیروهای تقاضا و عرضه، تعادل را برقرار می سازند. اما در نظریه شومپیتر تغییر مستمر رفتار خریدار و عرضه کننده در یک بازار پویا مطرح است

(Bygrave, 1994: 410). هایک (۱۹۳۷) بر نقش کارآفرین در به دست آوردن و به کار بردن اطلاعات تأکید می‌ورزد. او کارآفرین را کسی می‌داند که نسبت به تغییرات، واکنش نشان می‌دهد و بر بدیع بودن فعالیت کارآفرین تأکید نمی‌نماید (Casson, 1982: 45). فردریک هاوولی (۱۹۲۹-۱۸۴۳) تصریح می‌کند که علاوه بر زمین، کار و سرمایه، استدلال می‌کرد که چهارمین عامل یعنی کارآفرینی نادیده گرفته شده است. (Barreto: 1989, 212). فرانک نایت (۱۹۲۱) کارآفرین را به عنوان عنصر اصلی هر نظام معرفی نمود. عوامل کارآفرینی از نظر نایت عبارتند از: پیش بینی، آگاهی از قدرت و توانایی خود، اعتماد به آن قدرت ها و توانایی ها در عمل. رونالد کاوز کارآفرین را به عنوان عاملی که در تقسیم کار، سازماندهی و برنامه ریزی دخالت دارد، معرفی می‌کند (Guzman, 1994: 77). الیور ویلیامسون نیز از پیامدهای اعمال کارآفرینی، بیشتر بر کاهش هزینه های عملیاتی تأکید داشت. وی معتقد بود که هر چه محیط پویا تر، رقابت بیشتر و همچنین تمرکز کمتر باشد، فعالیت های نوآورانه گسترش بیشتری خواهد یافت. (Williamson, 1985: 141). کرزنر (۱۹۷۹) معتقد است که کارآفرینی یعنی آگاهی از فرصت های سودآور و کشف نشده و حرکت در جهت بهره برداری از آن (Kirzner, 1982: 59).

۲-۱- پیش نیازها، ابعاد و پیامدهای کارآفرینی

مهمترین دلیل متفاوت بودن تعداد کارآفرینان کشورهای مختلف، وجود متغیرهای محیطی لازم برای کارآفرینی است. ویلکن معتقد است که کارآفرینی تسریع کننده جرقه رشد و توسعه اقتصادی است و چهار زمینه را برای ظهور کارآفرینی مهم می‌شمارد (احمد پور، ۱۳۸۲، ۵۵). ۱- زمینه های اقتصادی مثل مزیت های بازار و فراهم بودن سرمایه؛ ۲- زمینه های غیر اقتصادی مانند مقبولیت کارآفرینی، تحرکات اجتماعی، امنیت و قدرت و کنترل؛ ۳- زمینه های روانشناختی چون وجود، انگیزه ها و مخاطره پذیری؛ ۴- زمینه های فنی ایجاد تغییر در تولید کالاها و خدمات. اصولاً کارآفرینان در هر جامعه ای به طور بالقوه وجود دارند و ظهورشان به شرایط مطلوب بستگی دارد. این شرایط را می‌توان در دو سطح پایین و بالا مطرح کرد. سطح اول، بیشتر مربوط به وضعیت کودکی، نوع تربیت، وضعیت خانوادگی، شغل پدر، وضعیت تحصیلی و... می‌باشد و سطح دوم، شامل فرهنگ جامعه، وضعیت سیاسی و ساختار اقتصادی می‌باشد که آنها را در قالب دو دسته متغیرهای اجتماعی و اقتصادی مورد اشاره قرار می‌دهیم. اگر نظام ارزشی و اعتقادی جامعه رقابت پذیر، مشارکت جو، اهل تعاون و اهل حرمت به انسان باشد، طبیعی است که فضای مستعد برای کارآفرینی به وجود آمده است. مثلاً پی یر روسو، یکی از مراحل اصلی رنسانس را پدید آمدن طبقه صاحبان صنایع می‌داند و آن را نیز ناشی از احترامی می‌داند که جامعه و حکومت برای این

طبقه قابل بودند. چون رابینسون نیز علت توسعه سرمایه داری و تحولات قرن نوزدهم را در شرایط تاریخی و فنی آن زمان می داند. در کشورهای پیشرفته، ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی حول ارزشهای کارآفرینی شکل گرفته اند؛ در حالی که در کشورهای کمتر توسعه یافته، ساختار کلی این چنین نیست. کارآفرینان صبورند، خلاقند، سخت کوشند، امیدوارند، سنت شکنند، ساختارشکن هستند، فرصت جو و مشارکت جو هستند، آنها نیروهای خلق الساعه نیستند، بلکه این نظام اجتماعی است که در حوزه تعلیم، تربیت، آموزش و در گروه‌های اجتماعی، چنین نیروهایی را تربیت کرده و جهت بهره برداری به جامعه تحویل می‌دهد. به این ترتیب اولین مؤلفه ای که در حوزه کارآفرینی باید به آن توجه کنند، این است که ارزشهای حاکم در آن جامعه چگونه شکل گرفته اند و چگونه برخورد می‌کنند. بعد دیگر برای ظهور کارآفرینان، جنبه اقتصادی و یا بازخورد اقتصادی دارد که در قالب قوانین، مقررات، روشها، تقسیم کار ملی، دولت و بخش خصوصی مطرح می‌شود. کارآفرین باید بدانند آینده بازار صرفاً بر مبنای کارآفرینی تعیین می‌شود. برای اینکه کارآفرینان به راحتی بتوانند اقدام به تأسیس شرکت کنند، باید سرمایه کافی و ساز و کاری که سرمایه را به سوی کارآفرینان بالقوه هدایت کند موجود باشد. یکی دیگر از پیش نیازهای اساسی کارآفرینی، دسترسی به منابع و اطلاعات است. به تعبیر کلی تر، امروزه مدیریت مبتنی بر دانایی اهمیت اساسی یافته است. یعنی هرچه مردم نسبت به امور، مطلع‌تر باشند، در تصمیم‌گیری‌های ملی و فردی می‌توانند مؤثرتر عمل کنند.

باید اذعان کرد کارآفرینان به عنوان موتور توسعه اقتصادی منشأ آثار و پیامدهای مثبت بسیاری هستند که به چند مورد آنها اشاره می‌شود. صاحب نظران اقتصادی به وجود رابطه تنگاتنگ بین کارآفرینی و اشتغال اذعان دارند و تجارب کشورهای مختلف نیز این رابطه را تأیید می‌کند. هرگاه فعالیت‌های کارآفرینی در یک جامعه کند و آهسته شود، نرخ بیکاری آن جامعه فزونی خواهد یافت. هرگاه کارآفرینی فعالیتی را شروع می‌کند، به استخدام گروهی از افراد نیاز دارد و بدین ترتیب موجب افزایش اشتغال می‌شوند (ملیتو سالازار، ۱۳۸۰: ۱۸). یکی از نتایج دیگر کارکرد کارآفرینان، بهبود توزیع درآمد و رفاه است. آنها در جستجو برای فعالیت کارآفرینانه خود عوامل اقتصادی، مواد خام و دیگر منابع را در مناطق بکر شناسایی کرده با ایجاد مؤسسه و شرکت یا کارخانه به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کنند.

نقش کارآفرینی منحصر به افزایش بازده و درآمد سرانه نیست، بلکه شامل تغییرات ساختاری در فعالیت اقتصادی- اجتماعی است. این تحول با رشد همراه بوده و شروع حرکت توسعه می‌باشد. کارآفرینان نه تنها به جهت تولید محصول (یا خدمات رسانی) جدید در بازار، بلکه به دلیل جلب سرمایه‌گذاری در فعالیت کارآفرینانه جدید نقش مهمی در توسعه دارند. چند خصلت کارآفرینی

مؤثر بر توسعه عبارتند از: ۱- خطر پذیری بالا؛ ۲- کار و تلاش زیاد و مداوم؛ ۳- تلاش برای کسب سود از طریق راه اندازی کسب و کار جدید؛ ۴- انجام کارها به شیوه ای مبتکرانه و نو؛ ۵- هدایت همه کارها توسط خود. مطالعات نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرین ها در یک کشور همبستگی وجود دارد (Salgado- Banda, 2005).

۲- خصوصیات کارآفرینان و نمونه های آنان

شناخت ویژگی های کارآفرینان از چند جهت حایز اهمیت است. یکی آن است که دیگران می‌توانند این ویژگی ها را در خود پرورش دهند. دیگر آنکه به دست اندرکاران جامعه امکان می‌دهد تا محیط را برای پرورش کارآفرینی مهیا کنند. می‌توان خصوصیات کارآفرینی را به روانشناختی- شخصیتی و سازمانی- مدیریتی دسته بندی کرد. از خصوصیات روان‌شناختی شخصیتی می‌توان بر چند مورد زیر تأکید کرد: ۱- **استقلال‌گرایی**: استقلال یکی از قوی ترین نیازهای کارآفرین است. در نمونه مورد تحقیق ما در بین کارآفرینان ۷۰ درصد دارای انگیزه استقلال‌گرایی قوی می‌باشند و ۳۰ درصد نیز این انگیزه را در حد متوسط دارا بوده‌اند. ۲- **اعتماد به نفس**: کارآفرینان، هم به خاطر اعتماد به نفس موفق هستند و هم، به این خصلت شهرت دارند. ۸۵ درصد از کارآفرینان، نمونه مورد نظر مقاله نیز در حد بالایی از اعتماد به نفس برخوردار بوده‌اند و این ویژگی تأثیر زیادی در موفقیت آنها داشته است. ۳- **نوآوری و ابتکار**: یکی از علایم کارآفرینی، نوآوری است. آنها به روشهایی فکر می‌کنند که با کمک آنها بتوانند محصول مربوط به یک بازار را برای استفاده های دیگر تطبیق دهند، اصلاح، جایگزین و یا ترکیب کنند. ۵۳ درصد از نمونه مورد نظر به طور مشخص نوآوری های مستقلی در کار و فعالیت کارآفرینانه خود نشان داده‌اند. ۴- **مخاطره پذیری و اعتدال‌گرایی**: کارآفرینان، علاوه بر توجه به ایده های جدید، خطرات موجود در آنها را هم محاسبه می‌کنند؛ یعنی آنها امور مختلف را بررسی کرده و ریسک مربوطه را می‌سنجند و به شکلی آگاهانه و با تکیه بر مهارت و تلاش خود وارد کار می‌شوند و معمولاً در میانه خط ریسک قرار دارند (ملیتو سالازار و همکاران ۱۳۸۰: ۴۵). ۸۳ درصد از کارآفرینان مورد مطالعه تحقیق حاضر، مخاطره پذیر بوده و بعضاً شکست را نیز تجربه کرده‌اند. اینان توانسته‌اند از شکست هایشان درس گرفته و دوباره ادامه دهند. در مورد ۱۷ درصد باقیمانده، عموماً آنها هدف و فعالیت خود را چنان اختیار کرده بودند که ریسک عدم موفقیت بسیار کم بوده است. ۵- **تمرکز بر هدف و آینده‌نگری**: محققان مشاهده نمودند که بیشترین توجه کارآفرینان به هدف موردنظر بوده و به پیش بینی آینده عنایت خاص دارند. این ویژگی در ۸۳/۵ درصد کارآفرینان مورد مطالعه

تحقیق حاضر نیز مشاهده شده است. ۶- **انگیزه پیشرفت دایمی و سختکوشی:** خصوصیت دیگر کارآفرینان، آرمان پیشرفت گرایی است. مک کله لند در این زمینه بیان می کند که احساس نیاز به پیشرفت، افراد را به سوی رفتارهای کارآفرینانه سوق می دهد و باعث تلاش و سخت کوشی آنها می شود. در تحقیق حاضر، اکثریت قاطع کارآفرینان نمونه مورد مطالعه (۹۱ درصد) دارای انگیزه پیشرفت بوده و با سخت کوشی و تلاش بسیار سعی کرده اند به این پیشرفت دست یابند.

در این قسمت همچنین چند مورد از، صفات سازمانی- مدیریتی کارآفرینان مورد اشاره قرار می گیرد. ۱- **فرصت شناسی:** کارآفرین فرصتهایی را شناسایی می کند که دیگران متوجه آن نمی شوند. ۷۹ درصد کارآفرینان مورد مطالعه ما نیز از شناسایی فرصت ها بهره برده اند. ۲- **توانایی هماهنگ سازی:** کارآفرین کسی است که مسئولیت هماهنگی منابع مورد نیاز را به عهده دارد. او فکر می کند چگونه، چطور، کجا، چه موقع و چه نهادهایی مورد نیاز است. ۳- **شجاعت در تصمیم و مسئولیت پذیری:** کارآفرین معمولاً خودش تصمیم می گیرد و در جریان آن، تمام مهارت و کوشش خود را به کار می گیرد و در صورت شکست نیز فقط خود را مقصر می داند. این صفت تقریباً در بین تمام کارآفرینان نمونه مورد مطالعه وجود داشته است. ۴- **توجه به نظارت و کنترل:** کارآفرین به خاطر آگاهی از وضعیت موجود، به دنبال بازتاب عملکرد خود می باشد. وجود اطلاعات مناسب و کافی برای درک نقاط ضعف در تصمیم گیری و امکان تصحیح عملیات، بسیار مهم است. او از این بازتاب می تواند در صورت لزوم برای تصمیم به ادامه و یا تغییر روش استفاده کند. در بین کارآفرینان این مطالعه ۷۰ درصد این ویژگی ها را در خود پرورش داده بودند. ۵- **تسلط بر خود:** اغلب کارآفرینان، بیشتر از آنکه بتوانند محیط بیرون را کنترل و مدیریت کنند بر خود تسلط دارند. این صفت در بین ۸۰ درصد کارآفرینان مورد مطالعه نیز وجود دارد.

۶- **دستاورد گرایی:** کارآفرینان، بیشتر کار را به خاطر حسن انجام کار و نه صرفاً به خاطر پاداش مالی، انجام می دهند. در حقیقت وقتی کارآفرین روی چیزی کار می کند، می خواهد که آن کار به خوبی انجام شود و همین برای رضایت او کافی است. در عین حال، سود به عنوان معیاری برای محاسبه میزان دستاوردها برای او اهمیت دارد. در بین کارآفرینان نمونه این مطالعه ۷۶ درصد دارای ویژگی دستاورد گرایی می باشند.

علاوه بر موارد فوق، پیشینه و سوابق، چندمین فرزند بودن، شغل والدین، تحصیلات، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، سن، سرمشق گرایی، پشتیبانی روحی و خروج از محیط اولیه نیز در پرورش کارآفرینی مؤثر بوده است. مثلاً نشان می دهد تعداد قابل توجهی از پدران کارآفرینان، خود کارآفرین بوده اند. در این مطالعه، تنها ۲۳ درصد از کارآفرینان به سمت شغل پدر گرایش

داشته اند. گروهی از کارآفرینانی که احتمال شکست آنها بیشتر است، کسانی هستند که تجربه دارند اما تحصیلات ندارند. دومین گروه کسانی هستند که آموزش دیده اند اما تجربه ندارند. برعکس، کارآفرینانی که، هم تجربه دارند و هم، آموزش دیده اند، پرسودترین فعالیت ها را هدایت می کنند (صمد آقایی، ۱۳۷۸: ۲۹۳). بیش از نیمی از کارآفرینان این مطالعه (۵۳ درصد) در دوران جوانی و نوجوانی، شرایط اقتصادی کمتر از متوسط جامعه داشته و با تنگدستی زندگی کرده اند و ۲۵ درصد از شرایط نسبتاً خوب اجتماعی و اقتصادی بهره مند بوده و بقیه در شرایط متوسط جامعه زندگی کرده اند. در برخی مطالعات ۸۸ درصد کارآفرینان بین سن ۲۰ تا ۵۰ سالگی فعالیت خود را آغاز کرده بودند که ۶۵ درصد از آنان در بین سنین ۲۰ تا ۴۰ سالگی قرار داشتند. میانگین سن کارآفرینی برای نمونه این مطالعه ۳۸/۷ سال می باشد. همچنین در بین کارآفرینان نمونه مورد نظر ۴۶ درصد مشخصاً افرادی را به عنوان سرمشق موفق در ذهن داشته اند. مناسب است که هر کارآفرین از یک شبکه پشتیبانی روحی متشکل از اعضای خانواده و دوستان بهره مند باشد. در این نمونه ۸۱ درصد کارآفرینان از وجود چنین شبکه ای در اطراف خود سود برده اند. بسیاری از کارآفرینان برای پیشرفت و کسب موفقیت، از محیط اولیه خود بیرون رفته و در محیط های بزرگتر و پویاتر قرار گرفته اند. خروج از محیط پیرامون اولیه در مورد ۸۱ درصد از کارآفرینان نمونه مورد مطالعه، تأثیر زیادی در کارآفرین شدن آنها در زمینه مورد نظر داشته است.

کارآفرینان مورد مطالعه با تأکید بر مرحوم عالی نسب

در این قسمت به معرفی برخی کارآفرینان موفق ایرانی می پردازیم. این انتخاب بیشتر براساس تعریف شومپیتر از کارآفرینی انجام گرفت، بنابراین وجه تشابه این کارآفرینان در این است که در زمان خود یک نوآوری ابداعی یا تقلیدی داشته اند. نوآوری ابداعی ایجاد یک محصول جدید است به طوری که قبلاً وجود نداشته است و منظور از نوآوری تقلیدی، نوآوری ای است که در کشورهای دیگر وجود داشته و کارآفرینان مذکور با الگو برداری، آن را برای اولین بار در کشور معرفی و تولید کرده اند که نمونه اینها سماور نفتی عالی نسب می باشد. چند کارآفرین زیر را قبل از استاد عالی نسبت معرفی می کنیم: ۱- محمد حسن امین الضرب: حاج محمد حسن امین الضرب، در نیمه اول قرن نوزدهم، حدود سالهای (۳۷-۱۸۳۴ م / ۵۳-۱۲۵۰ ق) در اصفهان متولد شد، در دوران نوجوانی پدرش را از دست داد و خانواده آنها زندگی سختی را گذراندند و همین سختی ها پتانسیل بالایی برای کسب موفقیت در او ایجاد کرد. وی اصفهان را به قصد تهران ترک کرد و در تهران کار

خود را با دوره‌گردی شروع کرد.^۱ بعد از مدتی وی با واسیلی پانایوتی آشنا شد و رشته کارهای تجاری ملی و بین‌المللی را از وی آموخت. او اولین شرکت تجاری‌اش را به سال ۱۸۵۷م در تهران تأسیس کرد. در سالهای اولیه، عمده‌ترین معاملات او منسوجات بود. در سفر به حج با وسایل و تجهیزاتی روبرو شد که باعث راحتی زندگی مردم می‌شد، مثل راه‌آهن، ماشین تولید یخ، ماشین بخار و از این قبیل. پس از سفر حج به کار صادرات و واردات پرداخت. او در سال ۸۷۳م. او رسماً به عنوان صراف مشهور شد و پس از مدتی با حمایت امین السلطان، سرپرستی ضرابخانه به او سپرده شد. بعد از مدتی، شخصاً شروع به ایجاد طرح‌های صنعتی کرد و در سال ۱۸۸۴ میلادی، ماشین های کارخانه ابریشم کشی را از لیون فرانسه وارد کرد. اقدام مهم دیگر امین الضرب، احداث اولین راه آهن ایران در سال ۱۳۰۸ شمسی بود. او نه تنها در این مدت فرصت‌های شغلی فراوانی ایجاد کرده بود بلکه صنعتی نوین را در ایران پایه گذاری کرد. در سال ۱۳۰۵ به فکر تأسیس کارخانه بلور افتاد. او ماشینها و کارشناس لازم را از اروپا وارد کرد و در کارخانه اش بلور بسیار عالی تولید می کرد. امین الضرب در ۸ شعبان ۱۳۱۶ مطابق با ۲۲ دسامبر ۱۸۹۸ در حدود ۶۳ سالگی از دنیا رفت (معتضد، ۱۳۶۶). ۲- سید محمود لاجوردی: سید محمود لاجوردی در کاشان به دنیا آمد و بعد از تحصیل رهسپار تهران شد. او به همراه تحصیل علاقه بسیاری به کسب و کار پیدا کرد و در این راستا به برخی از کشورهای جهان مسافرت کرد. در اوایل سال ۱۹۳۰ پس از بازگشت از آلمان به کمک برادرش و نیز پسرانش عرصه بزرگی از تجارت را راه‌اندازی نمود. بعد از مدتی با مشارکت مردم به تأسیس کارخانه نساجی اقدام نمود. او برای تشویق کارگران تصمیم گرفت به هر کارگر طبق تولید روزانه مزد پرداخت شود.^۲ در طول دهه بیست، کارخانه تولید کتان از طرف دولت به لاجوردی واگذار شد و او در مدت کوتاهی کارخانه را به یک شرکت سود ده تبدیل نمود. وی پیشنهاد ایجاد یک موسسه تولید روغن دانه‌های سویا را مطرح کرد که با مشارکت مردم توانست کارخانه را راه اندازی کند. سپس کاشت دانه های سویا، ماده اولیه روغن گیاهی را فراهم کرد و موفق به ایجاد یک مؤسسه برای توسعه تولید روغن سویا شد. ۳- عبدا.. مقدم: حاج میرزا عبدا.. مقدم از کارآفرینان معروف، صدیق و خوشنام قرن اخیر است. وی در ۱۲۷۷ شمسی در قزوین تولد یافت. بعد از آنکه به سن رشد رسید وارد بازار قزوین شد و کار خود را از شاگردی آغاز کرد. پس از تهیه مختصر سرمایه ای به تهران آمد و در کار قماش شروع به فعالیت کرد. در سال ۱۳۱۱ با کمک عموی خود مرحوم حاج مهدی مقدم و برادرش، شرکت بازرگانی مقدم و شرکاء را تأسیس کرد. در

۱. مهدی قلی هدایت، سالهای اولیه زندگی محمد حسن را در تهران با جی.دی.راکفلر در آمریکا مقایسه کرده است (مهدوی، ۱۳۷۹).

۲. امروزه این مفهوم در مبحث رابطه بین مزد و بهره وری نیروی کار مطالعه می شود.

سال ۱۳۳۳ سرپرستی و اداره کارخانه ریس باف اصفهان را بر عهده می گیرد و در سال ۱۳۳۵ شرکت ریسندگی و بافندگی ممتاز ایران را با کمک شرکای خود در جاده تهران - شهرری دایر می کند. او در سال ۱۳۳۷ با کمک کارشناسان ایتالیایی و آلمانی به تأسیس کارخانجات مقدم همت گماشت و با بهترین ماشین آلات و متخصصان اقدام به تولید پارچه های پشمی و فاستونی نمود. تأسیس کارخانجات مقدم به مثابه تأسیس دانشگاهی برای صنعت نساجی کشور بود. امروز اغلب مؤسسان و مهندسان اداره کننده صنعت نساجی کشور، از اعضاء قدیم این مؤسسه می باشند. حاج میرزا عبدا. مقدم مردی باگذشت، ساده زیست، مردم دوست و پایبند به اصول اخلاقی و مذهبی بود. وی در سال ۱۳۶۱ در تهران درگذشت (عاقلی، ۱۳۸۰). ۴- **محمود خلیلی**: محمود خلیلی متولد ۱۲۸۴ خورشیدی، در ابتدا معلم بود. در شهریور ۱۳۰۷ وزیر معارف وقت (اعتمادالدوله قراقرلو) حکم عزل وی را صادر می کند و به شغل الکترومکانیکی مشغول می شود. کار او تعمیر ماشین های صنعتی کارخانجات، پر کردن باطری و تعمیر آرمیچر بود و اخلاق خوب او باعث شد خیلی زود کارش رونق گیرد. در سال ۱۳۱۵ سرپرستی امور روشنایی شمیران را قبول می کند و بعد از مدتی به ریاست "اداره کل برق تهران" منصوب می شود. در سال ۱۳۲۱ در کنار انبار گندم شهر تهران، آسیایی برای آرد کردن احداث نمود. به همت او، برای اولین بار با وارد کردن دستگاه از فرانسه، تیرهای بتونی را در تهران تولید و نصب می کنند. وی با مساعدت دکتر مصدق به آمریکا رفته و از نزدیک با دانش و تکنولوژی حفر چاه های عمیق آشنا می شود و بعد از بازگشت، چاه های زیادی حفر می کند. بعد از ملی شدن صنعت نفت، خلیلی فرصتی برای آوردن صنعت گاز به ایران پیدا می کند و به همراه فرزندش به آمریکا و انگلستان رفته و یک سال روی این موضوع مطالعه می کنند. آنها در بازگشت با مشارکت دکتر اسفندیار یگانگی در سال ۱۳۳۲ شرکت بوتان با مسئولیت محدود را به ثبت می رسانند. از آنجا که مصرف «گاز مایع» مستلزم وجود لوازم گازسوز و سیلندر گاز مایع و ظروف تحت فشار برای حمل، ذخیره سازی و توزیع آن است، مدتی تصمیم به تولید و سایل گازسوز در داخل ایران می گیرند. اولین محصول آنها که با استقبال زیاد مردم روبرو گردید، آبگرمکن ایستاده ۴۰ گالنی با کنترل توموستاتیک بود. این محصول در یک کارگاه کوچک و به اتفاق دو تکنسین ساخته می شد. در ضمن او را می توان بنیان گذار گاز مایع در ایران نامید. خلیلی در سال ۱۳۵۳ درگذشت (خلیلی؛ ۱۳۸۴). ۵- **عبدالرحیم جعفری**: در سال ۱۲۹۸ شمسی در محله ای فقیر نشین در تهران متولد شد. در سن ۱۲ سالگی در چاپخانه علمی مشغول به کار می شود، او کارش را با پادویی و حمل و نقل کتابها به کتابفروشی ها آغاز کرد. او شبانه روز ۴ ساعت استراحت می کرد. پس از دگرگونی در صنعت چاپ و ورود ماشین آلات جدید، جعفری نیز به قسمتهای مختلف صحافی و حروفچینی منتقل شد. او با سرمایه ای که در طول این سالها

اندوخته بود توانست مؤسسه امیرکبیر را در یک اتاق ۱۶ متری تأسیس کند. سرانجام با تلاش و زحمات شبانه‌روزی و نوآوری‌هایی که در کار نشر به وجود آورد، کم‌کم موسسه‌اش را توسعه داد و این‌گونه توانست تا سال ۱۳۳۶ قریب پانصد کتاب در رشته‌های مختلف چاپ کند. در سال ۱۳۳۷ دومین فروشگاه خود را افتتاح کرد و در سال ۱۳۴۲ در کنار سرپرستی مؤسسه امیرکبیر مدیریت شرکت کتابهای درسی را نیز عهده‌دار شد (جعفری، ۱۳۸۴). ۶- **عبدالحمید فضلی**: مهندس عبدالحمید فضلی در سال ۱۳۱۳ در کرمان متولد شد. پس از طی تحصیلات دوره ابتدایی در شیراز، تحصیلات متوسطه‌اش را در رشته لوله‌کشی و جوشکاری هنرستان نمازی ادامه داد و پس از فارغ‌التحصیلی با درجه ممتاز، در همان جا به عنوان مدرس مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۳ پس از موفقیت در کنکور به تهران آمد و تحصیلات خود را در دوره شبانه رشته تاسیسات حرارتی، آغاز کرد و روزها به تدریس لوله‌کشی در کارگاه دانشکده پرداخت. سرانجام، در سال ۱۳۴۹ با اخذ مهندسی مکانیک، فارغ‌التحصیل شد و تا سال ۱۳۵۹ در همانجا به عنوان کارشناس رشته تاسیسات و عضو هیات علمی دانشگاه مشغول بود. در فاصله سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۹ با شرکت های متا، راکول و ایران بات در اجرای پروژه های تاسیساتی همکاری کرد. در سال ۱۳۶۹ شرکت تاسیساتی و ساختمانی آپه را تأسیس کرد. عمده پروژه های انجام شده توسط ایشان در قبل از انقلاب عبارتند از: اجرای کلیه تاسیسات کارخانه تراکتورسازی و کارخانه ماشین سازی تبریز، رصدخانه اسدآباد، تاسیسات ساختمان ها و محوطه استادیوم ورزشی نیروی هوایی در غازیان و حسن رود، تکمیل و راه اندازی تاسیسات بیمارستان سعادت آباد. برخی از فعالیتهای وی در دوران پس از انقلاب عبارتند از: اجرای کلیه کارهای برقی شبکه و تغییر پست های پایگاه هوایی بندرعباس، احداث ۱۶۸ آپارتمان در بندر عباس در سمت مدیرعامل شرکت های خانه سازی خلیج فارس، تکمیل ساختمان و اجرای تاسیسات مرکزی سازمان برنامه در بندر عباس، اجرای تاسیسات پروژه میدان میوه و تره بار شهرداری تهران، اجرای تاسیسات ساختمان های دانشکده های آزاد شهری، اجرای تاسیسات بیمارستان تأمین اجتماعی در چالوس، اجرای تاسیسات ساختمان ستاد وزارت مسکن و شهرسازی، اجرای ساختمان ها و تاسیسات پروژه کارخانه نفلین در آذر شهر، ساخت مخزن پنج هزار متر مکعب و شبکه انتقال در چابهار (فضلی، ۱۳۸۵ و تجلیل از پیشکسوتان، ۱۳۸۴، ص ۲۰). ۷- **سید عباس موسوی**: سید عباس موسوی در سال ۱۳۱۷ در یک خانواده ی مذهبی در شهرستان فومن به دنیا آمد. او تنها پسر یک خانواده پنج نفری بود. وی تحصیلاتش را در فومن و سال آخر را در تهران گذراند. در سال ۱۳۳۵ وارد دانشکده مهندسی شیمی می شود. در سال ۴۱ با اخذ مدرک مهندسی شیمی به مدت ۲ سال به عنوان دستیار دانشکده فنی مشغول تدریس می شود. در آن سالها ورود گریس به ایران ممنوع بود. موسوی همزمان با تدریس، یک

واحد تولید گریس تأسیس می‌کند. مدتی بعد کارشناسان روسی مشغول نصب کارخانه ذوب آهن در اصفهان شدند. و از آنجایی که گریس های روسیه به علت عدم انطباق شرایط آب و هوایی ایران و روسیه برای استفاده در اصفهان مناسب نبود، موسوی برای آنها ۱۷ نوع گریس مناسب تولید می‌کند. در سال ۱۳۴۲ به همراه دو شریک، شرکت ایران گریس را راه اندازی کردند و در آنجا علاوه بر تولید گریس به تولید روغن موتور نیز پرداختند. وی سپس کارخانه فومن شیمی را در شهرستان فومن دایر کرد و اقدام به تولید محصول جدید روغن ترمز کرد. بعد از مدتی در کنار فومن شیمی، یک کارخانه تولید ظروف پلاستیکی تأسیس کرد تا بسته بندی تولید تسهیل شود. موسوی در ادامه فعالیت‌های صنعتی‌اش کارخانه تفلون سازی پادینه را خریداری کرد و با تغییر کاربری، آن را به کارتن‌سازی تبدیل نمود. بدین ترتیب فومن شیمی در مراحل تولید به خودکفایی رسید. در حال حاضر دو شرکت پادینه و تولیدی گسترش برای سایر کارخانجات نیز کارتن و ظرف بسته بندی تولید می‌کنند. سپس او کارخانه دقیق شیمی را در شهرک صنعتی رشت ایجاد نمود که در آن، علاوه بر مواد اولیه روغن ترمز، چسب نیز تولید می‌شود. بعد از آن، موسوی با مشقت زیاد و مذاکرات فراوان با مشارکت شرکت کاسترول انگلستان، کارخانه‌ای دیگر در جزیره ی قشم و با نام کاسترول ایران تأسیس کرد و بدین ترتیب با بازارهای جهانی ارتباط برقرار کرد و در حال حاضر به بسیاری از کشورها صادرات دارند (موسوی، ۱۳۸۴). ۸- **رحیم زاده:** رحیم زاده متولد ۱۳۱۷ در مشهد است که از نوجوانی در کار پوست مشغول شد و در این ارتباط اقدام به تأسیس یک کارخانه در قزاقستان می‌کند. کارخانه قزاقستان به سود هنگفتی می‌رسد که با سود آن، دو کارخانه در مشهد راه اندازی شد. یکی از نکات جالب این است که رحیم زاده به مدیرانی که انتخاب می‌کرد حقوق نمی‌داد و در عوض آنها را مثلاً در ۱۵ درصد سود کارخانه شریک می‌کرد. به این ترتیب افراد برای کار دلسوزتر بوده اند. در مورد جذب نیرو، او روش بخصوصی دارد. خودش می‌گوید ۵-۶ سال قبل از بازنشسته شدن، افراد با تجربه آنها را پیدا کرده و بعد از بازنشستگی استخدام می‌کنم (رحیم زاده، ۱۳۸۴). وی راز موفقیتش را در سه چیز می‌داند: پشتکار، تخصص و سرمایه، که البته او پشتکار را مهمترین عنصر می‌داند.

۹- **احمد طاهری طلب:** طاهری طلب متولد ۱۳۱۹ در تهران است. در سال ۱۳۳۹ او برای اولین بار لوازم لوله کشی را گالوانیزه کرد. از تجربیات شغلی او قبل از انقلاب، همکاری در یک پروژه نفتی در جزیره لاوان، کار در کارخانه سیمان تهران و شرکت راه آهن می‌باشد. او جزء اولین کسانی است که خانه های پیش ساخته چوبی را در ایران اجرا کرده‌اند. بعد از انقلاب وی مدیر عاملی شرکتهای سیمان سپاهان، ماشین سازی پارس و ماشین سازی تبریز را تجربه می‌کند. از فعالیت‌های کارآفرینانه او در این دوران، می‌توان به تعمیر و عیب یابی دیفرانسیل کامیونهای

روسی، ساخت پل شناور و ساخت قطعاتی از فاننوم اشاره کرد. طاهری طلب در سال ۶۱ کار دولتی را کنار می‌گذارد و مدتی به کارهای تجاری می‌پردازد. در فاصله سالهای ۶۸ تا ۷۰ که در اروپا بود سنگ‌فرش خیابانها و پیاده روهای آنجا توجه وی را جلب می‌کند. بنابراین در سال ۷۰ او با تأسیس شرکت سنگ فرش فراز ایران تصمیم می‌گیرد صنعت سنگ فرش و فرآوری بهینه صنعت سنگ را احیا کند. از کارهای دیگر شرکت، اجرای پروژه های سنگ فرش است. یکی از نوآوری‌های وی اولین کف کاذب سنگی در ایران می‌باشد که در سال ۱۳۷۹ برای کتابخانه ملی اجرا کرده است (طاهری طلب، ۱۳۸۵). ۱۰- محمد مهدی مظلومیان: محمد مهدی مظلومیان متولد ۱۳۲۲ در شهرستان دامغان است که در سن ۱۴ سالگی همراه برادرانش به تهران می‌آید. در سال ۱۳۴۶ وارد مدرسه عالی شده و در سال ۱۳۵۰، با مدرک لیسانس زبان فارغ التحصیل شده و در دوران دانشگاه، کارت بازرگانی و تجارت می‌گیرد و در حین تحصیل به تجارت می‌پردازد و با تسلط بر زبان انگلیسی شروع به مکاتبه با شرکتهای خارجی می‌کند. بعد از دو سال به ژاپن می‌رود و با چند کارخانه، قرارداد نمایندگی می‌بندد و در سال ۱۳۶۲ کارخانه ابزار مهدی در دامغان را تأسیس می‌کند. در حال حاضر در این کارخانه بیش از ۷۰۰ قلم کالا تولید می‌شود (مظلومیان، ۱۳۸۵).

۱۱- بهرام حاجی کریم‌لو: بهرام حاجی کریم‌لو متولد ۱۳۲۳ در تبریز است. وی در سال ۱۳۳۷ به تهران می‌آید و در سال ۱۳۴۰ شروع به کار بسته بندی چای با مارک گلچین می‌کنند. بعد از انقلاب وی توانسته در شمال یک کارخانه چای خشک کنی تأسیس کند. یکی دیگر از نوآوری های کریم‌لو، ساخت لواشک از انواع میوه ها می‌باشد. او در این مورد می‌گوید: "بعد از انقلاب باغی در کرج داشتم که میوه های آن را نمی‌خریدند و من به فکر افتادم که این میوه ها را به لواشک تبدیل کنم." در اقع می‌توان وی را پایه گذار صنعت لواشک جدید در ایران دانست. یکی از کارهای دیگری که کریم‌لو انجام می‌دهد، تولید ماکارونی است. کریم‌لو در حال حاضر ۴ فعالیت تولیدی را مدیریت و نظارت می‌کند: ۱- ماکارونی؛ ۲- بسته بندی چای؛ ۳- لواشک سازی؛ ۴- کارخانه چای خشک کنی. وی برای موفقیت چهار عامل را می‌شمرد: ۱- هدف؛ ۲- پشتکار؛ ۳- کارآفرینی؛ ۴- نوآوری. او بیشتر موفقیتش را مرهون تجربه و اعتباری می‌داند که در سالهای کسب و کار به دست آورده است. ۱۲- بهروز فروتن: بهروز فروتن در سال ۱۳۲۴ در امیریه تهران به دنیا آمد. او مدتی در کنار کار تدریس، کارهای مدیریتی، پیمانکاری ساختمان و تأسیسات را انجام داد. اما این کارها او را اقناع نکرد و پس از مدتی در سال ۱۳۵۶ وارد کار مواد غذایی شد. بعد از آن، او آنقدر پیگیری کرد تا بالاخره مجوز تولید صنعتی را گرفت و حدود سال ۶۲ با ۲۵ کارگر شروع به تولید کرد. در حال حاضر شرکت بهروز از برترین های صنایع غذایی ایران است (یادگاری، ۱۳۸۲؛ فروتن، ۱۳۸۴). ۱۳- رسول قمرزاد: رسول قمرزاد متولد ۱۳۳۰ در مراغه

می باشد. او در سال ۱۳۴۸ در رشته مکانیک وارد دانشگاه علم و صنعت شد. وی در سال ۱۳۵۲ به استخدام کارخانه سیمان در آمد و در سال ۱۳۷۲ اقدام به تأسیس یک شرکت ساختمانی نمود. بعد از مدتی وی در مسافرت های خارج از کشور با کره گیاهی آشنا می شود و تصمیم می گیرد این کالا را در ایران تولید کند. وی در سال ۱۳۷۵ شرکت بهینه وزین را تأسیس کرده و در نهایت، اولین کره گیاهی را در ایران با نام مهگل در سال ۱۳۷۷ تولید می کند. قمرزاد در مورد عوامل موفقیتش می گوید: "تحصیلات، شرط لازم است ولی کافی نیست و پارامترهای دیگری مثل پشتکار، جرأت و جسارت و هدفمند بودن در موفقیت خیلی مؤثر است (قمرزاد، ۱۳۸۴).

۱۴- کاظم قلم چی: کاظم قلم چی در سال ۱۳۳۴ به دنیا آمد. او در سال ۱۳۵۲ در رشته مهندسی معدن دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. او در سال ۷۰ کانون فرهنگی آموزش را تأسیس نمود. مؤسسه قلم چی در سال ۷۱ با ۵۰ نفر کار را شروع کرد و سال بعد، این تعداد ۱۰ برابر شد. در حال حاضر، قلم چی در ۳۰۰ شهر نمایندگی دارد. او فعالیت کارآفرینی خود را در سن ۲۶ سالگی شروع کرد و با نوآوری در شیوه آموزش، خود را متمایز کرد. او در سال ۸۴ مؤسسه اش را تحت نام بنیاد علمی قلم چی وقف عام کرد (قلم چی، ۱۳۸۵)؛ گزیده مدیریت، (۱۳۸۵).

۱۵- مصطفی ثباتی: مصطفی ثباتی متولد ۱۳۳۴ در شهرستان مشهد می باشد. او کار جدی خود را با تأسیس شرکت بافت برزنت زنجان شروع می نماید. بعد از مدتی با اجرای یک نوآوری و با همان دستگاه برزنت بافی، اقدام به تولید گونی می کند. ثباتی در سال ۶۷ اولین پارچه فیلتر پرس را تولید می کند، اما پارچه آنها در هنگام کمپرس مواد از داخل آن، در اثر فشار بالا آسیب دیده و گسسته می شود. او در انجام کار مصمم تر شده ۹ ماه بعد، پارچه جدیدی می سازد که در حال حاضر، به بیش از ۳۰۰ کارخانه فروخته می شود. در سال ۷۱ ثباتی مدیریت کارخانه شرکت شمع نور را - که با مشکلات زیادی دست به گریبان بود - قبول می کند و با یک مدیریت هوشمند، شرکت را به شرایط ایده آل می رساند (ثباتی، ۱۳۸۵). ثباتی را می توان نمونه ای از کار آفرینانی دانست که بیشتر روحیه ی کار تیمی دارند تا فردی.

۱۶- میر مصطفی عالی نسب (کارآفرین برتر): طی یکصد سال گذشته تعداد کسانی که تلاش کرده اند، در نهایت اخلاص و حتی المقدور بی نام و نشان، ریشه دار ترین، عمیق ترین و مؤثرترین خدمات را در حق جامعه ایران - به اندازه استاد فقید، میر مصطفی عالی نسب - انجام داده باشند، چندان زیاد نیست. استاد میر مصطفی عالی نسب متولد ۱۲۹۸ و اصالتاً تبریزی بود. عالی نسب، پس از فوت پدر کسب و کارهای متفاوتی را تجربه کرد. در تبریز، حسابداری دویل را درس گرفته و کمی بعد به تهران آمده و در شرکت اتفاق، مشغول به کار می شود و پس از زمان کوتاهی (در سن حدود ۲۰ سالگی) در آن شرکت، به سمت رئیس حسابداری ارتقاء می یابد. بعد از جنگ جهانی دوم به تبریز بر می گردد و به تجارت بلور

مشغول می شود. با تولید چراغ‌های فتیله‌ای خوراک‌پزی (که آن موقع تازه از انگلیس وارد می‌شد) خانواده‌ها، از آنها به جای اجاق‌های هیزمی استفاده می‌کردند. او تصمیم گرفت که این وسیله جدید و ضروری را در ایران تولید کند. در سال ۱۳۳۴ تولید اجاق را شروع می‌کند که در نوع خود یک نوآوری در ایران بود.

در آن سالها دکتر مصدق با عالی‌نسب تماس می‌گیرد تا ترتیبی بدهد که سماور ذغالی به سماور نفتی تبدیل شود. هدف این بوده که از تخریب جنگل‌ها جلوگیری شود و نفت نیز در داخل به مصرف برسد. قبل از این تولیدات، در واقع نفت مصرفی در داخل ایران فقط جهت چراغ روشنایی بوده است. در هر حال ایشان به دعوت صورت گرفته، جواب مثبت می‌دهد. عالی‌نسب همان چراغ خوراک‌پزی را که قبل از دوره دکتر مصدق تولید کرده بود را بازسازی کرده و به صورت سماور در می‌آورد. دکتر مصدق دستور داده بود این سماور به عنوان نماد صنعت ایران ۲۴ ساعته در دفتر نخست وزیری روشن باشد. سه سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نهضت مقاومت به ایشان ماموریت می‌دهد که یک کارخانه کارتن‌سازی تأسیس کند. ایشان نیز با شراکت چند نفر کارخانه کارتن‌سازی میهن را تأسیس کرده که هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهد و جزو مهمترین کارخانه‌های کارتن‌سازی کشور است. در زمان صدارت مهدی بازرگان و محمدعلی رجایی نیز مشاور اقتصادی آنان بود. در مورد وی نقل می‌کنند در شرایط انقلاب زیر بار کارهایی می‌رفت که کسی قبول نمی‌کرد یا جرأتش را نداشت. به عنوان مثال کارخانه پیکان، اوایل انقلاب دچار بحران شده و در آستانه فروپاشی بود. استاد عالی‌نسب با قبول مسئولیت، کارخانه را از بحران خارج می‌کند. یکی از خصوصیات دیگر وی، شجاعت بود. در مورد مس سرچشمه، گزارش‌ها حاکی از این بوده است که باید تعطیل شود و با ارزبری که دارد، اصلاً اقتصادی نیست و عده‌ای از دست اندرکاران قصد داشته‌اند برخی از وسایل آن را به فروش برسانند، عالی‌نسب مدتی سرپرستی آنجا را قبول می‌کند و اوضاع را بهبود می‌بخشد. بعداً در دولت میرحسین موسوی، همچنان به عنوان مشاور شورای اقتصاد و مشاور اقتصادی نخست‌وزیر بود. مهندس موسوی می‌گفت: "حضور ایشان در من، هم اعتماد به نفس ایجاد می‌کرد و هم، یک پشتوانه بزرگ روحی بود". او همچنین جایزه نخست کار و تولید ایران را از دست آقای خاتمی (رئیس جمهور وقت) دریافت نمود.

۳- سازگاری کارآفرینی و بهره‌وری (مطالعه موردی)

همان طور که در ابتدا اشاره شده پیش فرض ما در این مقاله آن است که کارآفرینی استاندارد با بهره‌وری سازگاری کافی دارد. لذا بهره‌وری کارگاه‌های عالی‌نسب، به عنوان یک کارآفرین بزرگ،

مطالعه موردی ما است. بر اساس تعریف (OECD)، بهره‌وری عبارت است از خارج قسمت خروجی‌ها به هر یک از عوامل تولید. به عقیده آژانس بهره‌وری اروپا، بهره‌وری، درجه استفاده مؤثر از هر یک از عوامل تولید است. پیتر دراگر بهره‌وری را هوشمندانه‌تر کار کردن تعریف کرده‌است. از نظر مرکز بهره‌وری ژاپن، بهره‌وری عبارت است از به حداکثر رساندن استفاده از منابع، کاهش هزینه‌های تولید، و بهبود معیارهای زندگی. بهبود بهره‌وری به همراه خود آثار و نتایجی در جامعه دارد که یکی از آنها بهبود روابط کارگر و کارفرما است. دیگری بهبود رفاه اجتماعی است. زیرا بهره‌وری نهایتاً به معنای افزایش درآمد، افزایش سطح زندگی و بهبود رفاه اجتماعی می‌باشد. ارتقاء صنعت نیز از دیگر رهاوردهای گسترش بهره‌وری است. چرا که بهره‌وری عوامل تولید جوهره توسعه یافتگی صنایع مربوطه می‌باشد (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۲۱). ایران در سال ۱۹۶۵ میلادی به عضویت سازمان بهره‌وری آسیایی^۱ درآمد. در سال ۱۳۴۱ سازمان مدیریت صنعتی تأسیس شد. در سال ۱۳۴۸ دفتر بهره‌وری وزارت کار و امور اجتماعی سازمان ملی بهره‌وری در سال ۱۳۷۰ در وزارت صنایع سنگین تشکیل گردید (مجله روش، ۱۳۷۲: ۱۴). عمده‌ترین وظایف سازمان ملی بهره‌وری به شرح زیر می‌باشد: ۱- تسهیل حرکت بهره‌وری در کشور؛ ۲- انتقال تجارب سایر کشورها به کشور؛ ۳- ترویج فرهنگ بهره‌وری و توصیه راه‌های ارتقای آن؛ ۴- ارائه خدمات مشاوره‌ای و پژوهشی مرتبط با بهره‌وری؛ ۵- گسترش همکاری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه‌های بهره‌وری؛ ۶- ساماندهی نهادهای تخصصی بهره‌وری و توسعه خدمات مشاوره‌ای در زمینه بهره‌وری.

هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۹ تصویب کرد که سازمان ملی بهره‌وری منحل و مرکز ملی بهره‌وری تشکیل شود. اولین بار به طور رسمی در برنامه دوم توسعه، در قالب تبصره ۳۵، به مسأله افزایش بهره‌وری توجه شد و در برنامه چهارم توسعه به مقوله بهره‌وری توجه خاص گردید. براساس اهداف برنامه، متوسط نرخ رشد سالانه اقتصادی ۸ درصد پیش‌بینی گردیده است که ۲/۵ درصد از محل رشد بهره‌وری و بقیه از محل رشد تولید حاصل شود؛ یعنی طبق برنامه مذکور، بهره‌وری کل عوامل می‌باید سالانه ۲/۵ درصد افزایش یابد تا ۳۱/۳ درصد از رشد اقتصادی (۸ درصدی) را تأمین نماید و مابقی رشد اقتصادی (۵/۵ درصد) از طریق رشد منابع به دست خواهد آمد. در این برنامه، نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار و سرمایه به ترتیب ۳/۵ و یک درصد تعیین گردیده است. شایان ذکر است، قانون برنامه چهارم توسعه به صورتی تدوین گردیده است که به طور بالقوه بستر سازی مناسبی را در گسترش بهره‌وری نوید می‌دهد. به عنوان نمونه برخی از مفاد ماده ۵ برنامه را مرور می‌کنیم: به منظور تحقق اهداف و شاخصهای کمی مربوط به ارتقای بهره‌وری کل

عوامل تولید. الف: تمامی دستگاه‌های اجرایی مکلف‌اند در تدوین اسناد ملی، بخشی، استانی و بویژه سهم ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد تولید مربوطه را تعیین کرده و الزامات و راه‌کارهای لازم برای تحقق آنها را مشخص نمایند؛ به طوری که سهم بهره‌وری کل عوامل در رشد تولید ناخالص داخلی حداقل به سی و یک و سه دهم درصد (۳۱/۳) درصد و متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید به مقادیر حداقل ۳/۵، ۱ و ۲/۵ درصد برسد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است نسبت به بررسی عملکرد دستگاه‌های اجرایی در زمینه شاخصهای بهره‌وری و رتبه‌بندی آنها اقدام نموده و تخصیص منابع مالی و بودجه‌های سنواتی را با توجه به برآوردهای مربوط به ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و تحقق آنها به عمل آورده و نظام نظارتی فعالیت‌ها، عملیات و عملکرد مدیران و مسئولان را براساس ارزیابی بهره‌وری متمرکز نماید. در عین حال، در عمل و پس از گذشت حدود سه سال از تصویب برنامه، هیچیک از اهداف فوق تاکنون (که این مقاله نهایی می‌شود، اردیبهشت ۱۳۸۹) محقق نشده‌اند.

گزارش واره ای از مسائل کارآفرینی در ایران: در ایران، عوامل مختلفی بر فعالیت‌های کارآفرینانه سایه می‌افکند که آنها را در قالب عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دنبال می‌کنیم. یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد فعالیت‌های کارآفرینانه، نظام ارزشی و اجتماعی هر جامعه است. ترکیب سنی جمعیت، فرصت‌های اقلیمی، نظام آموزشی، نوع نگرش به کسب و کار، خانواده و رسانه از جمله مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی هستند که در ایران، فاقد کارآمدی کافی می‌باشند. جمعیت ایران جوان و عموماً تحصیل کرده‌اند، یعنی ایران با عرضه بالقوه کارآفرین مواجه بوده که در صورت ایجاد بسترهای مناسب می‌توان این نیروی بالقوه را به صورت عناصر بالفعل درآورد و سطح فعالیت‌های واقعی کارآفرینی را افزایش داد. همچنین، ایران کشوری است با اقلیمهای مختلف آب و هوایی و منابع طبیعی و تنوع حیوانی، گیاهی، منابع کانی و فلزی، فسیلی، نفت و گاز، رادیواکتیو و از این قبیل که، نقطه قوت عظیمی برای ایجاد فرصت‌های کارآفرینانه است. اما سیستم آموزشی کشور به گونه‌ای است که خلاقیت را در کودکان و نوجوانان رشد نمی‌دهد و فاصله زیادی با استانداردهای جهانی دارد. گذشته از این، کار زیاد و مولد ارزش تلقی نمی‌شود؛ و به نظر می‌رسد که در سطح ملی شاهد نوعی بحران در تلقی از کار، انباشت سرمایه و به طور کلی اخلاق و فرهنگ کار هستیم (فیوضات، ۱۳۸۳: ۱۲۹). ساعت کار مفید در ایران امروز، کمتر از ۳۰ دقیقه در روز است که باعث کاهش سطح کارآفرینی می‌شود. یکی دیگر از عناصر تأثیرگذار بر شکل‌گیری کارآفرینی رسانه‌های آزاد می‌باشند. رسانه‌ها نقش عمده‌ای در هدایت و تغذیه اطلاعاتی کشور دارند. الگو سازی، تغییر نگرشها، و از این قبیل، از نقش‌های عمده رسانه‌ها است. مثلاً در ژاپن، کارآفرینانی که باعث رشد اقتصادی شده‌اند، به صورت یک قهرمان ملی

معرفی می‌شوند و مجسمه‌های آنها در میادین اصلی زادگاهشان ساخته و برپا می‌شود. در آمریکا، کارآفرینان بزرگ به صورت الگوهایی از انسانهای موفق معرفی و ستایش می‌شوند. مردم ایران مخصوصاً نسل جوان ما کمتر این الگوها را می‌شناسند و این به دلیل نبودن الگو نیست، بلکه فرایند الگوسازی صورت نگرفته است. همچنین مناسب است به برخی از مؤلفه‌های اقتصادی و قوانین مرتبط با کارآفرینی در ایران نیز اشاره کنیم. یکی از بسترهای کارساز برای تقویت کارآفرینی، آسودگی خاطر نسبت به نیازهای مالی است که در ایران با دشواری‌های خاص خود همراه است. کارآفرینان برای تأمین مالی خود دو راه دارند: یکی از طریق منابع شخصی و دیگری از طریق بانکها و مؤسسات مالی اعتباری. ایران امروز، فردی که دارای توانایی تأمین مالی پروژه‌های مخاطره‌پذیر باشند اندک هستند و خدمات بانکی نیز از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نیستند و مراجعه کنندگان را با مشکلات زیادی مواجه می‌کند. از طرف دیگر، بالا بودن نرخ بهره وامهای اعطایی، کارآفرینان را با مشکلاتی مواجه می‌کند. یک مؤلفه کلیدی در گسترش کارآفرینی، ثبت یافته‌های کارآفرینانه است. روند ثبت در ایران، بسیار پیچیده است و برای شروع یک فعالیت جدید، کسب مجوز از چندین سازمان و وزارتخانه لازم است و این باعث سرخوردگی کارآفرین می‌شود.

در اینجا به بررسی بهره‌وری در شرکتهای صنایع نفت و گاز و کارتن سازی میهن وی می‌پردازیم. داده‌های آماری برای محاسبه متغیرها و آزمون فرضیه‌ها از گزارشهای مالی این دو شرکت در یک دوره ۷ ساله (۸۵-۱۳۷۹) استخراج گردیده است. در ضمن در این مطالعه، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را مورد تأکید قرار داده ایم. بهره‌وری نیروی کار، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

که در آن :

$$LP_t: \text{ بهره وری نیروی کار در زمان } t \quad (1) \quad LP_t = \frac{Q_t}{L_t}$$

LP_0 : بهره وری نیروی کار در سال پایه

$$Q_t: \text{ ارزش تولید به قیمت ثابت در سال پایه} \quad (2) \quad LPI_t = \frac{LP_t}{LP_0} * 100$$

L_t : تعداد نیروی کار در زمان t

LPI_t : شاخص بهره وری نیروی کار

در جدول شماره (۲) سطح بهره وری نیروی کار برای هر دو شرکت کارتن میهن و صنایع عالی

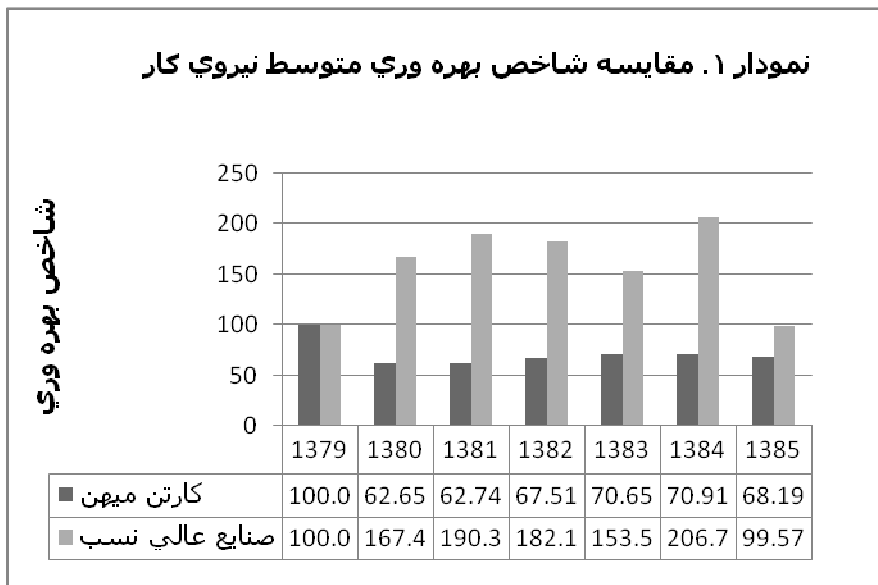
نسب محاسبه شده است.

جدول ۲- بهره‌وری نیروی کار

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
شرکت کارتن میهن	۲۵۵/۳۳	۱۵۹/۹۶	۱۶۰/۱۸	۱۷۲/۳۶	۱۸۰/۳۸	۱۸۱/۰۴	۱۷۴/۱۰
صنایع عالی نسب	۴۴/۵۷	۷۴/۶۳	۸۴/۸۴	۸۱/۲۰	۶۸/۴۴	۹۲/۱۵	۴۴/۳۸

مأخذ: محاسبات مقاله (با کمک مدیریت کارخانه ها)

در مورد شرکت کارتن میهن، بیشترین بهره‌وری مربوط به سال ۱۳۷۹ می‌باشد و در سال ۱۳۸۰ با افت قابل توجهی مواجه شده که علت آن عمدتاً گران شدن کاغذ و نرخ ارز بوده و نتیجه آن، کاهش تولید می‌باشد. بعد از سال ۱۳۸۰ روند بهره‌وری کار، تغییرات نسبتاً ملایمی را تجربه می‌کند. در سه سال اول دوره مورد نظر، بهره‌وری کار روندی افزایشی داشته اما در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ کاهش داشته که به نظر می‌رسد ورود کالاهای جانشین با قیمت پایین، تقاضا برای محصول مربوطه را کاهش و بالطبع تولید کاهش یافته است. در سال ۱۳۸۴ شرکت توانسته است بهره‌وری کار خود را افزایش بدهد (برای مقایسه بهتر بهره‌وری کار، می‌توان از نمودار شماره ۱ استفاده کرد).



بهره‌وری سرمایه از دیگر شاخص‌های بهره‌وری جزئی عوامل تولید می‌باشد به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$CP_t = \frac{V_t}{K_t} \quad (۳)$$

$$GCP_t = \frac{CP_t}{CP_0} \times 100 \quad (۴)$$

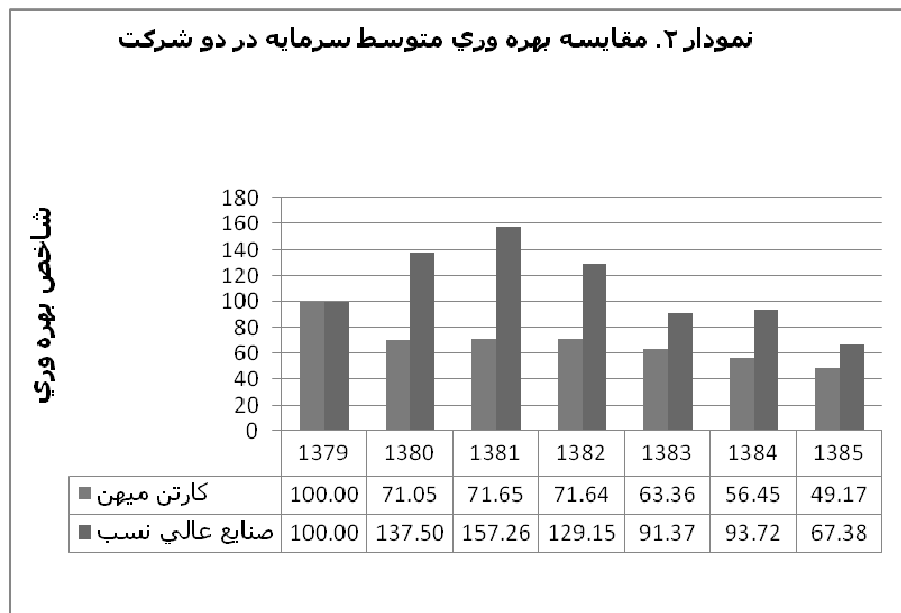
که در آن: GCP_t : شاخص رشد بهره‌وری سرمایه
 CP_t : بهره‌وری سرمایه در زمان t
 CP_0 : بهره‌وری سرمایه در سال پایه
 V_t : ارزش افزوده در زمان t
 K_t : موجودی سرمایه به قیمت ثابت در زمان t
 هر مقدار این نسبت بیشتر باشد، نشان دهنده استفاده بهتر از امکانات سرمایه‌ای شرکت می‌باشد. بهره‌وری سرمایه از یک طرف، تحت تاثیر تکنیک تولید و درجه سرمایه‌بری و از طرف دیگر، تحت تأثیر میزان استفاده صحیح از امکانات موجود می‌باشد. در جدول (۳) بهره‌وری متوسط سرمایه برای هر دو شرکت طی سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۷۹ محاسبه گردیده است:

جدول ۳. بهره‌وری سرمایه

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
شرکت کارتن میهن	۶/۴۵	۴/۵۸	۴/۶۳	۴/۶۲	۴/۰۹	۳/۶۴	۳/۱۷
صنایع عالی نسب	۲/۱۶	۲/۹۷	۳/۴۰	۲/۷۹	۱/۹۷	۲/۰۳	۱/۴۶

مأخذ: محاسبات مقاله (با کمک مدیریت کارخانه)

طبق ارقام، جدول شرکت کارتن میهن یک کاهش تقریباً ۲۹ درصدی بهره‌وری سرمایه را در سال ۱۳۸۰ تجربه کرده است که دلیل آن عمدتاً گران شدن مواد اولیه و ارز در سال ۱۳۸۰ می‌باشد. همان طور که در نمودار (۲) نیز مشخص می‌باشد، در سالهای ۸۱ و ۸۲ بهره‌وری سرمایه رشد ملایمی داشته و در سالهای ۸۳ و ۸۴ کاهش یافته است.



رشد تغییرات بهره وری سرمایه صنایع عالی نسب در نمودار (۲) نشان می‌دهد که این تغییرات در دو سال اول، صعودی و در دو سال بعد از آن، نزولی بوده و افزایش بهره وری هر دو عامل نیز در سال ۸۴ مشترک و البته رشد بهره وری نیروی کار در سال ۸۴ از رشد بهره وری سرمایه بیشتر بوده است. بنابراین، همان طور که از نمودارهای فوق مشخص می‌باشد، فرضیه اصلی این تحقیق مبنی بر رشد بهره وری عوامل تولید در شرکت های مزبور در مورد بهره وری نیروی کار شرکت کارتن سازی میهن، از سال ۱۳۸۰ تا ۸۵ تأیید می‌شود. این فرضیه، در مورد بهره‌وری سرمایه با قدری نوسان همراه است که عواملی چون تورم و افزایش قیمت مواد اولیه، کاهش تقاضا (به دلیل ورود کالاهای جانشین خارجی) را می‌توان از توجیه کنندگان آن قلمداد نمود. حالا تابع تولید را برآورد می‌کنیم. در برآورد تابع تولید به علت کم بودن تعداد مشاهدات مورد استفاده در تخمین مدل و برای بهبود نتایج، از شیوه آزمون داده های ترکیبی استفاده می‌کنیم که نتایج به صورت زیر قابل مشاهده می‌باشد:

$$\text{Log } Q = -11.70 + 1.89 \log(L) + 1.51 \log(K) \quad (5)$$

Se : (3.15) (0.64) (0.28)

T : -3.70 2.96 5.30

R² = 0.82 DW = 2.06 f = 25.37

همان گونه که از نتایج آزمون مشاهده می شود، تمام ضرایب تخمینی L و K و نیز عرض از مبدا مدل در سطح $\alpha=5\%$ قابل اتکا و از لحاظ آماری با معنا می باشد. R^2 مدل نیز 82% می باشد که خوبی برازش مدل را نشان می دهد. ، $DW=2.06$ می باشد که نشان از عدم مشکل خود همبستگی دارد. براساس این مدل اگر به طور متوسط، یک درصد به نیروی کار اضافه شود، $1/89$ درصد تولید افزایش می یابد و با افزایش یک درصد در سرمایه نیز تولید به طور متوسط $1/51$ درصد طی دوره مورد نظر افزایش یافته است. ضمناً چون مجموع کشش های عوامل تولید به میزان $3/4$ و بزرگتر از یک می باشد، تابع مورد نظر دارای بازدهی نسبت به مقیاس صعودی است. برای محاسبه بهره وری کل عوامل تولید از نسبت ارزش افزوده به مجموع موزونی از ارزش عوامل تولید به شکل رابطه (۶) استفاده شده است :

$$TFP_E = \frac{Q_t}{a_1 (r_t K_t) + a_2 (W_t L_t)} \quad (6) \quad \text{که در آن :}$$

TFP_E شاخص ابتدایی بهره وری کلی Q_t ارزش افزوده
 $r_t K_t$: ارزش سرمایه به کار رفته در تولید $W_t L_t$: ارزش نیروی کار در تولید در زمان t
 a_1 : سهم نسبی (وزن) عامل سرمایه در تولید a_2 : سهم نسبی (وزن) عامل نیروی کار در تولید
 نتایج محاسبه بهره وری کل عوامل تولید در شرکت کارتن میهن و صنایع عالی نسب، در جداول (۴) و (۵) آمده است:

جدول ۴. بهره وری کل عوامل شرکت کارتن میهن

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
سطح بهره وری کل عوامل (نسبت)	۷/۹۹	۵/۵۴	۵/۴۹	۵/۳۷	۴/۸۸	۴/۵۲	۳/۸۳
شاخص بهره وری کل عوامل (درصد)	۱۰۰	۶۹/۳۱	۶۸/۶۷	۶۷/۲۵	۶۱/۰۷	۵۶/۵۹	۴۷/۹۳

مأخذ: محاسبات مقاله

جدول ۵. بهره‌وری کل عوامل شرکت صنایع نفت و گاز

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
سطح بهره‌وری کل عوامل (نسبت)	۲/۵۹	۳/۵۷	۴/۰۸	۳/۳۲	۲/۲۹	۲/۳۴	۱/۶۶
شاخص بهره‌وری کل عوامل (درصد)	۱۰۰	۱۳۷/۸۴	۱۵۷/۳۳	۱۲۸/۲۱	۸۸/۴۳	۹۰/۳۶	۶۴/۰۹

مأخذ: محاسبات مقاله

۴- تحلیل عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی کار، تفسیر نتایج و جمع بندی

با توجه به محدودیت‌های پیش گفته، مدل زیر نهایی شد:

$$TFP_t = f(KL_t, NL_t, MA_t)$$

NL_t تعداد نیروی کار

MA_t مواد اولیه

KL_t شدت سرمایه به عامل نیروی کار، نتایج برآورد مدل در رابطه (۷) ملاحظه می شود:

$$TFP = -0.283 NL + 1.448 KL + 0.012 MA$$

$$Se \quad 0.141 \quad 0.377 \quad 0.0008 \quad (7)$$

$$T : \quad (0.141) \quad (3.84) \quad (13.21)$$

$$R^2 = \%98 \quad DW = 2.05 \quad f : 347.93$$

در ضمن R^2 برابر با ۹۸ درصد و $DW = 2/05$ می‌باشد؛ همان طور که ملاحظه می شود، ضریب متغیر تعداد نیروی کار منفی می باشد؛ زیرا با فرض ثبات سایر شرایط بهره‌وری نیروی کار با تعداد آن رابطه منفی دارد. ضریب شدت سرمایه (KL) نیز مثبت و معنی دار است که نشان می دهد که بین بهره‌وری نیروی کار و سرمایه بری تولید، رابطه مستقیم وجود دارد. تأثیر متغیر مواد اولیه نیز مثبت می باشد؛ یعنی با افزایش مواد اولیه، بهره‌وری نیروی کار نیز افزایش می یابد. این مطلب با شواهد تجربی در مورد این دو شرکت که در سالهای اخیر با کمبود مواد اولیه مواجه بوده‌اند، کاملاً همخوانی دارد. همان طور که نتایج مدل نشان می دهد، بیشترین تأثیر بر روی بهره‌وری نیروی کار از بین متغیرهای مدل مربوط به عامل شدت سرمایه بری تولید می باشد. این نتیجه با توجه به توضیحات مسئولان کارخانه درباره قدیمی بودن دستگاه‌ها و ماشین آلات موجود، مورد تأیید می باشد. بنابراین، شرکتهای مذکور به منظور افزایش بهره‌وری نیروی کار خود، در درجه اول باید ماشین آلات و تجهیزات فنی خود را بهسازی کنند و البته سهم اصلی در مشکلات

مربوطه، به شرایط عمومی اقتصاد کشور (بویژه در حوزه صنعت) مربوط می شود و قدری هم به دلیل فقدان نظارت کارآفرین بزرگی چون عالی نسب است.

تحلیل نتایج و جمع بندی پایانی

۱- با وجود دشواری های اقتصاد ایران و در سالهای مورد مطالعه، کارکرد کارآفرین برجسته، میرمصطفی عالی نسب قابل دفاع می باشد. رشد بهره وری کارخانه های وی برای بعضی از سالها قابل قبول و برای برخی دیگر با دشواری همراه بود که با توجه به بررسی های به عمل آمده، عمده ترین دلایل آن علاوه بر عدم حضور فعال عالی نسب در مدیریت کارخانه ها در طول دوره مورد نظر، به دشواری های کلی اقتصاد ایران بر می گردد؛ زیرا اولاً، وجود تورم باعث کاهش ارزش سرمایه مالی شرکت های مذکور شده و قدرت نوسازی تجهیزات سرمایه ای را از آنها سلب کرده است. ثانیاً، صدور مجوزها و موافقت های اصولی بیش از حد بهینه، با توجه به ثابت بودن تقاضای داخلی موجب مازاد عرضه و کاهش قیمت محصولات تولیدی شده است. ثالثاً، عدم هماهنگی بین دولت و بخش صنعت به منظور تعیین تعرفه بهینه برای واردات مواد اولیه، جلوگیری از ورود بی رویه کالاهای جانشین خارجی و تغییرات نرخ ارز را هم می توان در این رابطه مؤثر دانست. با تخمین تابع تولید، مشخص شد که بازدهی نسبت به مقیاس این بنگاه ها صعودی بوده و با حساسیت تولید نسبت به سرمایه بیش از نیروی کار است. مدل مورد نظر، مهمترین عوامل مؤثر بر بهره وری نیروی کار را تکنولوژی تولید، مواد اولیه و همچنین تعداد نیروی کار نشان داد. در هر حال، عالی نسب به عنوان یک سرمشق برجسته کارآفرینی قابل تحسین است و با وجود تمامی مشکلات بین خصوصیات کارآفرینی و یافته های فنی کارخانه های نامبرده، سازگاری وجود دارد. ۲- کارآفرینان ایرانی در اغلب موارد، سرمایه شروع کار خود را از سرمایه های شخصی (دارایی های فردی، خانوادگی، قرض از دوستان یا خویشاوندان) جمع آوری نموده و کمتر از وام های بانکی بهره برده اند. عدم ثبات اقتصادی و تغییرات زیاد در قوانین و همچنین وجود مراکز متعدد تصمیم گیری در مورد فعالیت های کارآفرینی، از عوامل باز دارنده ورود افراد بیشتر به عرصه کارآفرینی در ایران است. در واقع با یک حرکت چند سویه، دولت می تواند از طریق بهینه کردن نظارت و تحول در ساختار قانونی، نظام آموزشی جامعه را به سمت یک جامعه کارآفرین سوق دهد. فرهنگ کار، وجدان کار و تولید در جامعه امروز ایران ضعیف می باشد. فعالیت ها به سمت سفته بازی، دلالی و اموری که سوددهی کوتاه مدت داشته باشند، سوق پیدا کرده است. معرفی کارآفرینان موفق، بسیار ضعیف بوده و صرفاً به جشنواره های تشریفاتی محدود می شود. تولید کارآفرینی نیازمند نشاطی علمی و آزادی فکر می باشد. ۳- در این مطالعه، معلوم شد که کشش نیروی کار بیش از سرمایه

می باشد. همچنین ملاحظه گردید که، رابطه بهره وری نیروی کار و تعداد آن، منفی می باشد. ۴- وضعیت بهره وری و مشکلات بنگاه های عالی نسب، بیشتر برونزا بوده و ریشه در دشواری های کل اقتصاد ایران دارد. مثلاً عملکرد دولت باعث افزایش بی رویه کالاهای جانشین محصولات داخلی شده و از طرف دیگر، قیمت مواد اولیه مورد نیاز داخل را بالا برده که نتیجه آن تأثیر منفی بر تولید شرکت های مذکور بوده است. بالا بودن هزینه تامین مالی بخش صنعت و بنگاه های عالی نسب نیز، عامل دیگر کاهش بهره وری است. این بنگاه ها برای بازسازی تکنولوژی مجبور به استفاده از وام بانکی هستند. اما هزینه بالای تأمین مالی وجوه، موجب افزایش هزینه تولید می شود. بنابر این، مدیران شرکت ترجیح می دهند فعلاً با همان تکنولوژی قدیمی و بهره وری پایین کار کنند. دشواری های قانون جدید کار نیز به گونه ای است که مدیران بنگاه ترجیح می دهند با ظرفیت خالی کار کنند، و به دلیل اطمینان از وضع بازار، نیروی کار استخدام نکنند.

۵- با توجه به این مطالعه بر چند پیشنهاد تأکید می شود: الف) ایجاد ارتباط بین توسعه نظام آموزشی و نیازهای بازار کار و ارتقاء سطح کیفی نیروی کار موجود از طریق آموزش های ضمن خدمت. آموزش های فنی و حرفه ای موجب بالا بردن سهم شاغلان متخصص و ایجاد انگیزه لازم در نیروی کار می گردد. این امر از طریق به وجود آوردن ارتباط بین سطح دستمزد و حقوق با سطح بهره وری حاصل می گردد. در این ارتباط به نظر می رسد قانون پرداخت مزد و حقوق باید به گونه ای مورد بازنگری قرار گیرد که زمینه های لازم برای استقرار نظام های "کارمزدی" و پاداش مبتنی بر بهره وری در مقابل نظام های فعلی "روز مزدی" ایجاد شده و موانع قانونی کاهنده بهره وری کاهش یابد. ب) افزایش انطباق بین شغل و مهارت نیروی کار، ایجاد انعطاف پذیری در قوانین مرتبط با بازار کار و نیز اصلاح مقرراتی که تأثیرات منفی بر بازار کار دارند، می تواند مورد توجه قرار گیرد. تقویت سازمان ملی بهره وری جهت ترویج اهمیت بهره وری و تسهیل روند بهره وری، ترویج فرهنگ کار و کارآفرینی از طریق رسانه های جمعی، عقلانی شدن نرخ تسهیلات، سود سپرده ها و اوراق مشارکت در جهت کاهش هزینه فرصت سرمایه گذاری کارآفرینان، از دیگر نمونه های ارتقاء بهره وری و کارآفرینی است. پ) تبیین و تضمین حقوق مالکیت و همچنین تقویت قوانین تجارت در جهت تشویق کارآفرینان نوآور و خلاق، شناسایی جامعه کارآفرینان و ایجاد یک بانک اطلاعاتی از کارآفرینان هر صنعت، استفاده از تجارب کشورهای پیشرو در کارآفرینی و تسهیل در ثبت اختراعات و اکتشافات و حفظ مالکیت و حقوق معنوی، از دیگر عوامل کارساز محسوب می شوند. توجه به اخلاق کسب و کار و مدیریت بهینه در کارگاه ها، کارخانه ها و مزارع از دیگر عناصر با اهمیت در این رابطه می باشد و بخش قابل توجهی از موفقیت نسبی مرحوم عالی نسب در اداره کارخانه های مورد بحث، مرهون مدیریت منضبط و اخلاق مولد این کارآفرین برجسته می باشد.

ت) ظرفیت کارآفرینی در ایران بسیار بالا ولی وضع بالفعل آن دلسرد کننده است. پیشرفت در کارآفرینی فضایی آرام و با نشاط علمی به همراه ساختارهای قانونی و نهادی سازگار و آینده ای پر امید می طلبد. فضاهای دمکراتیک به همراه رسانه های مستقل، تشکل های فعال و آزاد و حاکمیت پاسخگو، زمینه خلاقیت را فراهم می کند و کارآفرینی را ارتقاء می بخشد. فقدان عناصر فوق در جامعه فعلی ایران از عوامل کلیدی رکود در کارآفرینی و بهره وری مربوط به آن است.

منابع و مأخذ

- احمد پورداریانی، محمود (۱۳۷۸) کارآفرینی، تعاریف نظریات و الگوها؛ تهران: شرکت پردیس.
- بیگدلی، مرتضی ۱۳۷۵؛ بهره‌وری نیروی کار در صنایع نساجی پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- پروژه تحقیقاتی " بررسی موانع کارآفرینی در صنعت کشور " فاز اول؛ مجری گروه مدیریت معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی تهران، کارفرما شورای پژوهش‌های علمی کشور.
- تجلیل از پیشکسوتان صنعت (۱۳۸۴) نشریه توسعه تأسیسات و تجهیزات؛ شماره ۹.
- ثباتی، مصطفی (۱۳۸۵)، مصاحبه با کارآفرین مورد نظر.
- جعفری، عبدالرحیم (۱۳۸۴) سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان؛ مصاحبه با کارآفرین نامبرده.
- چراغعلی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، کارآفرینی استان گلستان، سازمان مدیریت.
- خلیلی، منصوره (۱۳۸۴) از دامنه تا قله (زندگینامه محمود خلیلی)؛ تهران: انتشارات بهجت.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۷) آشنایی با مدیریت بهره‌وری؛ کانون فرهنگی انتشار سایه نما.
- رحیم زاده (۱۳۸۴) سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان؛ مصاحبه با کارآفرین.
- سلیمانی، مرتضی (۱۳۸۲) ارزیابی و مقایسه بهره‌وری در بخش‌های مختلف شرکت سایپا و شناخت عوامل مؤثر بر آن؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
- شعبانی، مهدی، (۱۳۸۵) بهره‌وری و صادرات، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مفید.
- صمد آقائی، جلیل (۱۳۷۸) سازمان‌های کارآفرین؛ تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- طاهری طلب، احمد (۱۳۸۵) مصاحبه با کارآفرین نامبرده توسط نویسندگان.
- عابدی، رحیم، (۱۳۸۰)، بررسی کارآفرینان صنایع کوچک، سازمان مدیریت.
- عبادی، اسماعیل، (۱۳۷۹) بررسی بهره‌وری شرکت ایران خودرو، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.
- فروتن، بهروز (۱۳۸۴) سخنرانی در مرکز کارآفرینی دانشگاه شهید بهشتی.
- فیوضات، ابراهیم و حسینی نثار، مجید (۱۳۸۳) بررسی جایگاه کار و کوشش؛ پژوهشنامه علوم انسانی؛ بهار و تابستان.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰) شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)؛ تهران: نشرگفتار.
- قلم چی، کاظم (۱۳۸۵) مصاحبه با کارآفرین.
- قمرزاد، رسول (۱۳۸۴)، سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان.
- کریم لو، بهرام (۱۳۸۵) مصاحبه با کارآفرین مربوطه توسط نویسندگان
- گزیده مدیریت (۱۳۸۵) سال هفتم، شماره ۵۶.

- مجله روش (۱۳۷۲) پویایی مدیریت بهره وری؛ سال دوم، شماره ۶۱، آبان.
- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵) گزارش دفتر مطالعات زیر بنایی؛ سه ماهه اول. مظلومیان، محمد مهدی (۱۳۸۵) مصاحبه با کارآفرین نامبرده.
- معماریان، رضا، (۱۳۸۳)، محاسبه کارآیی فنی صنایع غذایی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- مقیم، سید محمد، ۱۳۷۹، موانع کارآفرینی در صنعت ایران، تهران، سازمان پژوهش های علمی کشور.
- ملیتوسالازار، جی آر و همکاران (۱۳۸۰) مقدمه ای بر کارآفرینی؛ ترجمه سیامک نطق؛ سازمان ملی بهره وری ایران، تهران: نشر کوهسار.
- موسوی، عباس (۱۳۸۴)؛ مصاحبه با کارآفرین مربوطه توسط نویسندگان.
- مهدوی، شیرین (۱۳۷۹) زندگینامه حاج محمد حسن کمپانی، تهران: نشر تاریخ ایران، پاییز، چاپ اول.
- معتضد، خسرو (۱۳۶۶) حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران؛ تهران: انتشارات جانزاده.
- ملیتوسالازار، جی آر و همکاران (۱۳۸۰) مقدمه ای بر کارآفرینی؛ ترجمه سیامک نطق؛ سازمان ملی بهره وری ایران، تهران: نشر کوهسار.
- نشریه گزیده مدیریت (۱۳۸۵) سال هفتم؛ شماره ۵۶، فروردین.
- هاشمی، حمید (۱۳۸۲) کارآفرینی و نقش آن در اقتصاد ملی؛ مجموعه مقالات؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- هیستریج، رابرت و پی پیترز، مایکل (۱۳۸۳) کارآفرینی؛ ترجمه علیرضا فیض بخش و حمیدرضا تقی یاری؛ انتشارات دانشگاه شریف.
- یادگاری، رضا (۱۳۸۲) دوست من سلام؛ تهران : انتشارات بلوط سبز.
- Barreto, H. (1989) *The Entrepreneur in Microeconomic Theory: Disappearance and Explanation*; London: Routledge.
- Brockhaus, R. and Horwitz, P.(1986) *The Psychology of Entrepreneur*; Cambridge, Mass.
- Bygrave, W. (1994) *The Portable MBA in Entrepreneurship* ; N.Y: John Wiley & Sons.
- Casson, M. (1982) *The Entrepreneur: An Economic Theory*; N.J: Barnes and Nobel.
- Fry, F.(1993) *Entrepreneurship: A planning Approach*; Englewood Cliffs

- Nj: Prentice-Hall.
- Guzman,C. (1994), Toward a Taxonomy of Entrepreneurial Theories ; International Small Business Journal 12.
- Henry,C., Hill, F. and Leitch, C. (2005) Entrepreneurship education and training: Emerald Group Publishing Vol. 47 No. 3, pp. 158-169.
- Kirzner, I. (1982) Uncertainty, Discovery and Human Actions: In I. Kirzner(ed), In Method, Process and Austrian Economics, Mass: Lexington Books.
- Palmer, M. (1987) The Application of Psychological Testing to Entrepreneurial potential; N.J.: Prentice – Hall Inc.
- Schneider, E.(1975) Joseph A. Schumpeter; translated by W. E. Kuhn. Lincoln, NB: Bureau of Business Research.
- Salgado-Banda, H. (2005) Entrepreneurship and economic Growth : an empirical Analysis.
- Williamson, O. (1985) Reflection on the New Institutions Economic; Journal of Institutional and Theoretical Economic, 14.